

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
تاریخ تحلیلی صدر اسلام  
خلاصه فصل ۵ و ۶ (خلافت امام علی)



نام دانشجو: متین یوسف روز  
نام استاد: حجت اله ایزدی دستنایی  
رشته تحصیلی: مهندسی برق  
دانشگاه علوم و تحقیقات

# از سقیفه تا قتل عثمان



در مسائل تاریخی آنچه بیش از اصل پژوهش اهمیت دارد، جلوگیری از حاکمیت احساسات در نتیجه گیری از تحقیق، و استفاده ناروا از پژوهش است. بی تردید تکیه بر منابع اصلی و مورد قبول در مسائل اختلافی مورد پژوهش، و بهره گیری از روش علمی و بررسی جوانب مساله در تحلیل ها و استنتاج ها، بسیاری از حساسیت ها را کاهش می دهد و راه استفاده ناروای دوستان نادان و دشمنان حيله گر را مسدود می سازد.

سیره مستمر پیامبر چنان بود که در سفرهای کوتاه مدت یک یا چند روزه، برای خود جانشین تائین میکردند. پس چگونه ممکن است در سفر طولانی و بدون بازگشت یعنی مرگ که از آن اطلاع داشتند امت را بدون راهنما و رهبر به حال خود رها سازد با اینکه سیره دیگر پیامبران بر انتصاب جانشین شایسته دلالت دارد؟

ابن ابی الحدید معتزلی، هنگام نقل گفتگوی خود با نقیب علوی درباره مسأله خلافت و رویداد سقیفه، می‌گوید: به نقیب گفتم دلم راضی نمی‌شود بگویم اصحاب پیامبر ﷺ گناه کردند و برخلاف گفته او گام برداشته، نص «غدیر» را زیر پا نهادند. نقیب در جواب گفت: دل من نیز راضی نمی‌شود بگویم «پیامبر» ﷺ اهمال‌کار بود و امت را همین‌گونه بی‌سرپرست رها کرد و رفت. چگونه ممکن است برای پس از مرگش کسی را امیر مسلمانان قرار ندهد.<sup>۲</sup>

طرفه آنکه بررسی حوادث زمان رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که با وجود مراتب معنوی اصحاب به‌طور کلی، سرپیچی از فرمان پیامبر، در میان آنان، بی‌سابقه نبوده است. به‌درستی می‌توان گفت

هنوز ناخالصی‌هایی در برخی از مسلمانان آن روز وجود داشت که موجب می‌شد همه‌جا و همیشه در برابر دستور خدا و پیامبر، تسلیم و اطاعت از خود نشان ندهند و وقتی فرمان پیامبر ﷺ با تمایلات شخصی، گرایش قبیلگی یا افکار سیاسی آنان همسو نبود، با نوعی خودرایی و اجتهاد ناموجه، می‌خواستند پیامبر را از تصمیم خود منصرف سازند یا در اجرای آن کوتاهی، یا به آن اعتراض می‌کردند.<sup>۱</sup> افزون بر این، تعدادی از آیات قرآن بر لزوم تبعیت از دستور پیامبر تأکید دارد و به مسلمانان هشدار می‌دهد که از تمرد فرمان پیامبر یا سبقت بر او خودداری کنند. در قرآن آمده است:



اصرار پیامبر ﷺ بر اعزام سپاه اسامه

با آنکه مسایلی چون ظهور مدعیان دروغین پیامبری برای اتحاد دینی مسلمانان خطری جدی به شمار می‌آمد، خطر رومیان جدی‌تر بود. پیامبر سپاهی منظم از مهاجر و انصار گردآورد و افراد سرشناسی چون ابوبکر، عمر، ابو عبیده و سعدوقاص را به حضور در میان جمع سپاهیان وظیفه‌مند ساخت.<sup>۱</sup> آن بزرگوار با دست خود پرچم فرمانده جوان را بست و به او فرمان حرکت داد.

پیامبر اکرم ﷺ با آگاهی از حوادثی که در انتظار حضرتش ﷺ نشسته بود و با شناختی که از اصحاب خود داشت، برای آخرین بار فرصت را غنیمت شمرد تا مهم‌ترین پیام رسالت را بیان کرده، خط سیر آینده حکومت اسلامی را ترسیم کند. بنابراین، فرمود: نوشت افزار آورید تا نامه‌ای بنویسم که بعد از من هرگز گمراه نشوید.

که در نهایت با سخنان عمر و ایجاد تفرقه انجام نشد.

## جریان سقیفه و شکل گیری خلافت

### خلافت ابوبکر

خبر رحلت پیامبر اکرم ﷺ به سرعت منتشر شد و مردم مدینه را در نگرانی و اندوه فرو برد.

مردم ناباورانه اشک می ریختند. ابوبکر از راه رسید و آن آیه را که پیشتر ابن عباس خوانده بود تلاوت کرد و بانگ برآورد: پیامبر درگذشت، اما خدایش زنده است. فردی که تا چند لحظه قبل مرگ پیامبر ﷺ را سخن منافقان می خواند، با پذیرش رحلت پیامبر ﷺ گفت: گویا این آیه را نشنیده بودم.<sup>۳</sup> هیجان مردم فرو نشست<sup>۴</sup> و اندوه و ناله هایشان ادامه یافت. هنوز مراسم تجهیز و تکفین پیامبر خدا ﷺ برپا نشده بود که پیکی آهسته به ابوبکر گفت: عمر تو را می خواند. ابوبکر، که حضور در آنجا را مهم تر می دید، ناخشنود شد و سخن پیک را نادیده گرفت. قاصد دوباره پیام آورد.<sup>۵</sup> ابوبکر این بار اجابت کرد و همراه عمر و ابوعبیده روانه سقیفه شد.

به هر تحلیل، در سقیفه، مهاجرت، قریشی بودن و دوستی با پیامبر مورد استدلال قرار گرفت و سرانجام آخرین برگ پیروزی یعنی کهنسالی آشکار شد. یکی از انصار - بشیر بن سعد - که بعدها در شمار نزدیک‌ترین یاران معاویه قرار گرفت، به‌عنوان اولین نفر، بیعت کرد. البته در آن موقعیت، زمزمه‌هایی درباره غیبت اهل بیت، بنی‌هاشم و دیگر مهاجران و شخص علی بن ابی‌طالب علیه السلام به گوش می‌رسید؛ ولی سرگرم بودن آن حضرت به کار تجهیز پیامبر، دور بودن بنی‌هاشم از صحنه سیاست‌های گروهی، رقابت‌های طایفه‌ای و حسادت‌های شخصی جاهلی دو قبیله اوس و خزرج، زمینه موفقیت کارگردانان اخذ بیعت را فراهم آورد. سرانجام طایفه اسلم با جار و جنجال و به شکل پلیسی وارد معرکه شدند و با خلیفه بیعت کردند و پیروزی را قطعی ساختند.<sup>۲</sup>

مگذر از در خانه فاطمه علیها السلام

گرچه بسیاری امور بر طبق برنامه پیش می‌رفت، کار مستحکم ساختن پایه‌های قدرت ابوبکر هنوز پایان نگرفته بود. چنانکه منابع شیعه و سنی نشان می‌دهد، علی بن ابی‌طالب علیه السلام مهم‌ترین مرد خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران نزدیک وی و خاندان هاشم، از تصمیم سقیفه‌نشینان آگاهی نیافتند. آنها وقتی این موضوع را شنیدند که ابوبکر، با موقعیت تثبیت شده، همراه حامیانش به مسجد پیامبر در آمد.

با آنکه فشارها همه‌جانبه بود و شعله‌های خشم مردان خلیفه، مسلمانان معترض را تهدید می‌کرد، علی علیه السلام تن به سازش نداد و تا هنگامی که اساس دین را در معرض خطر ندید، بر این موضع خویش استوار ماند. چون احتمال پایمال شدن رنجهای رسول خدا صلی الله علیه و آله جدی شد، علی و پیروانش ناگزیر با خلیفه مصالحه کردند.



## فدک نمادی از معنایی عظیم

یکی از اقدام‌های ابوبکر، در پی گردآوری زکات و سامان بخشیدن درآمدها، تصرف منطقه اقتصادی فدک<sup>۲</sup> است. انگیزه اصلی ابوبکر از تصرف فدک چه بود؟ چه دلیلی بر جواز این کار داشت؟

سرور بانوان جهان درباره فدک چنین استدلال کرد: ای پسر ابوقحافه، آیا در قرآن است که «تو» از پدرت ارث ببری، ولی من از پدرم ارث نبرم؟! «لقد جئت شیئاً فریاً»<sup>۱</sup>. آیا به عمد، کتاب خدا را ترک کرده، احکام آسمانی‌اش را پشت سر می‌اندازید؟ خداوند می‌فرماید: «وورث سلیمان داود»<sup>۲</sup> در داستان حضرت یحیی بن زکریا می‌فرماید: «فهب لی من لدنک ولیاً یرثنی و یرث من آل یعقوب»<sup>۳</sup> و نیز می‌فرماید: «ان ترک خیراً الوصیة للوالدین و الاقربین بالمعروف حقا علی المتقین»<sup>۴</sup>. آیا خداوند متعال در این آیه همه مردم را به‌طور عموم در نظر نگرفته، همه طبقات شامل این آیات نیستند؟<sup>۵</sup> آیا

## خلافت عمر بن خطاب (۱۳-۲۳ ق.)

وی در سال سیزدهم هجری با وصیت ابوبکر زمامدار مسلمانان شد.<sup>۱</sup> او با اقتدار کامل قریب ده سال اداره سرزمین‌های اسلامی را به دست گرفت. قلمرو خلافت او با طراحی ویژه نبردها در عمق خاک همسایه‌های قدرتمند ایران و روم در حال گسترش بود. وی نخستین خلیفه‌ای است که «امیرالمؤمنین» خوانده شد. هرچند در دوره خلافت و پیش از آن از ثروتمندان قریش شناخته می‌شد، به اشرافی‌گری و تن‌پوش‌های گرانبها و گردآوری طلا و نقره دلبستگی نداشت و کارگزارانی که چنین نبودند را نیز توبیخ می‌کرد.

ممنوعیت نکارش احادیث

تاکنون برای انزوای قرآن و عترت پیامبر ﷺ از روشهایی استفاده شده است. چنانکه امروز، گروهی به بهانه اصلاح دین، پسند جهانی، پویایی و انطباقش با وجدان عصر، به دگرگون‌سازی اسلام می‌پردازند، در گذشته نیز به بهانه‌ای، روایات را از دسترس جامعه دور می‌نمودند و به حمایت از قرآن، احادیث نبوی را می‌سوزاندند. منع تدوین حدیث، که از زمان خلیفه اول آغاز شده بود، با بخشنامه خلیفه دوم شدت یافت.<sup>۳</sup>

## خلافت عثمان (۲۴-۳۵ ق.)

با شورایی که خلیفه دوم پیش‌بینی کرده بود اشراف قریش فرصت یافتند پس از وی در کار اداره جامعه اسلامی، که خود و پدران‌شان سالها با آن مبارزه کرده بودند، دخالت کنند. عثمان که حدود ۷۰ سال داشت به «مخالفت بیش از هفتاد نفر از صحابه با خلافتش» توجهی نکرد،<sup>۲</sup> بلکه به‌زودی عمل به سیره دو خلیفه پیشین را، که تعهد و سبب اصلی پیروزی‌اش به‌شمار می‌آمد نیز فراموش کرد. او برخلاف شیخین، به خوش‌نشینی و تجملات علاقه فراوان داشت؛ برای خود خانه خوب ساخت و رخت و کالای بسیار فراهم آورد؛ در دوستی و رعایت خاطر خویشان بی‌اختیار بود و میدان را برای تاخت‌وتاز آنها باز گذاشت.

# نگاهی به حکومت امام علی بن ابی طالب



امام علی علیه السلام همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله

امیرمؤمنان علی علیه السلام در سیزدهم رجب، سی سال بعد از عام الفیل - ۵۹۹ یا ۶۰۰ م - در کعبه به دنیا آمد.<sup>۱</sup> دوره حساس کودکی و نوجوانی را در خانه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و با تربیت وی به سر برد.<sup>۲</sup> این تربیت او را از قلب حساس، دیده نافذ و گوش شنوا برخوردار ساخت؛ به گونه‌ای که می‌توانست چیزهایی ببیند و صداهایی بشنود که دیدن و شنیدن آن برای دیگران ممکن نبود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: علی علیه السلام پیش از رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله همراه آن حضرت نور نبوت را می‌دید و صدای فرشته را می‌شنید.<sup>۳</sup>



## امام علی علیه السلام و خلفای سه‌گانه

پس از حوادث از پیش طراحی شده‌ای که نقطه واگرایی تاریخ قلمداد شده است، گرایش‌های شیعیان، عملکرد فعال خود را از دست داد. مقایسه کردار علی علیه السلام در طول زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و نقش وی پس از رحلت آن بزرگوار، نشان‌دهنده نگرش انفعالی او به قدرت حاکم است. چراکه شخصیتی که به دلیل توان و شایستگی لازم در دوران حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله در همه ابعاد جامعه اسلامی نقش اول را با کمال اخلاص و کارایی مناسب دارد از این پس فقط در زوایایی بسیار محدود مورد توجه قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، توجه به ایمان راسخ علی علیه السلام و شایستگی کامل وی برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و زحمات طاقت‌فرسایی که در طول این مدت به انجام رسیده است، این انتظار را که او باید برای احقاق حقوق خود و اعتلای اسلام راستین تا آخرین نفس جنگیده باشد، کاملاً موجه می‌سازد. به یقین انفعال و ترک اقدام مسلحانه و خشونت‌آمیز وی علل جدی داشته است.

به حکومت<sup>۵</sup> رسیدن علی علیه السلام

پس از بی نتیجه ماندن نقش میانجی گرانه امام علی علیه السلام و برخی از اصحاب در رخداد شورش علیه خلیفه سوم، آنگاه که خلیفه کشته شد و خشم عمومی فرونشست، مردم دریافتند حوزه مسلمانان بی سرپرست مانده است. رفت و آمد و گفتگوها آغاز شد. با آنکه گروهی از صحابه اعضای شورای عمر، به ویژه طلحه که مورد حمایت عایشه نیز بود، مدعی خلافت بودند، معترضان یعنی همه زندگان اصحاب بدر، بسیاری از صحابه، قاریان کوفه، انصار و... به خانه امام علی علیه السلام هجوم آورده، از امام که تاکنون در پاسخ تقاضای مکرر می فرمود: «دَعُونِي وَالتَّمِسُوا غَيْرِي»<sup>۱</sup> خواستند خلافت را بپذیرد و بر این امر پای فشردند.<sup>۲</sup>

## موانع و مشکلات حکومت علی علیه السلام

زمانی که علی علیه السلام به خلافت ظاهری رسید، انبوهی از دشواری‌ها پدید آمده بود و آثار منفی اجتماعی و حتی سیاسی توسعه فتوحات و کشتن عثمان آینده را تاریک تصویر می‌کرد. بخشی از مشکلات، که براساس سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه دلیل استتکاف امام از پذیرش خلافت شمرده می‌شود، عبارت است از: عدالت اقتصادی و اجتماعی، انحرافها و بدعتها و رفاه‌گرایی و تضعیف ارزشهای دینی.

## بسم الله الرحمن الرحيم

هذا ما اوصى به امير المؤمنين علي بن ابي طالب...: اين چيزی است که علی پسر ابوطالب وصیت می کند. علی به وحدانیت خدا گواهی می دهد و اقرار می کند که محمد بنده و پیامبر خداست. خدا او را فرستاده تا دین خود را بر دین های دیگر غالب گرداند. همانا نماز و عبادت و حیات و ممات من از آن خدا و برای خداست. شریکی برای او نیست. من به این امر شده ام و تسلیم خداوند و اولین مسلمانم. فرزندم حسن، تو و همه فرزندان و اهل بیتم و هرکس را که این نوشته من به وی برسد، به امور زیر توصیه و سفارش می کنم. تقوای الهی در نظر داشته باشید و جز بر آیین اسلام، زندگی را به آخر نرسانید و به ریسمان خداوند چنگ زنید و از تفرقه و خودرأیی پرهیزید. زیرا از پیامبر خدا شنیدم که می گفت: اصلاح بین افراد از نظر ثواب برتر است از یک سال نماز و روزه، و فساد بین افراد موجب دوری از رحمت خدا و زوال دین است. و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظيم.

خویشاوندانتان را فراموش نکنید و با آنان نیکی و احسان کنید تا خداوند حساب را بر شما آسان سازد. خدا را، خدا را، درباره ایتم [در نظر بگیرید]. مبادا گرسنه و بی سرپرست بمانند. خدا را، خدا را، درباره همسایگان [مراعات کنید]. چه اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آنان سفارش نموده و همواره خود به ما درباره همسایگان توصیه می کرد؛ تا آنجا که تصور کردیم که برای آنان ارث قرار خواهد داد.

خدا را، خدا را، درباره قرآن، مبادا که دیگران در عمل بر قرآن از شما پیشی گیرند.

خدا را، خدا را، درباره نماز که آن ستون دین شماست.

خدا را، خدا را، درباره خانه پروردگارتان، که تا زنده اید آن را خالی نگذارید. زیرا اگر کعبه از زائر

خالی بماند مهلت داده نخواهد شد و اگر شما به زیارت آن نروید، به شما نگاه لطف نخواهد شد.

خدا را، خدا را، درباره روزه ماه رمضان، زیرا روزه سپر آتش جهنم می باشد.



خدا را، خدا را، دربارهٔ جهاد در راه خدا با مالها و جانهایتان.

خدا را، خدا را، دربارهٔ زکات ثروت‌هایتان، زیرا زکات آتش خشم خدا را خاموش می‌کند.

خدا را، خدا را، دربارهٔ امت پیامبرتان، نگذارید که به آنان ظلم شود.

خدا را، خدا را، دربارهٔ یاران پیامبر ﷺ، زیرا پیامبر ﷺ دربارهٔ آنان سفارش فرمود.

خدا را، خدا را، دربارهٔ فقرا و بینوایان، پس آنان را در شادی خود شریک قرار دهید.

خدا را، خدا را، دربارهٔ آنان که زبردست شما هستند، زیرا این آخرین سفارش پیامبر ﷺ بود که

فرمود: شما را دربارهٔ دو ضعیف که زیر دست شما قرار دارند، سفارش می‌کنم....

نماز، نماز، به خاطر خدا از نکوهش هیچ ملامت‌گری نهراسید. زیرا خداوند خود شما را از ستم دیگران حفظ خواهد کرد و کید بدخواهان را دور خواهد ساخت. با مردم با خوشرویی روبه‌رو شوید؛ همان‌گونه که خدای شما فرموده است. و هیچ‌گاه امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که قدرت از چنگ شما خارج شده، دیگر دعای شما نیز مستجاب نخواهد شد. بر شما باد که هدیه دهید و به یکدیگر خیر رسانید و بر حذر باشید از جدایی‌خواهی و انحطاط اخلاقی، در تقوا و احسان به دیگران یار هم باشید و در گناه و ستمگری از یکدیگر پشتیبانی نکنید و از خدا بترسید که عذابش سخت است. خدا شما را دربارهٔ اهل‌بیت پیامبر حفظ کند و پیامبر خودش را در میان شما زنده بدارد. از شما به بهترین شرایط خداحافظی می‌کنم و درود و رحمت خداوند را بر شما ابلاغ می‌کنم.

از آن پس، دیگر سخنی جز لا اله الا الله از علی علیه السلام شنیده نشد.<sup>۱</sup>